

تعریف فوق، تنها تعریف ارائه شده از جهانی شدن نیست و در این خصوص به موارد بسیاری می‌توان اشاره کرد. برای مثال امانوئل ریشر (Richter)، جهانی شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن اجتماعاتی که پیش از این در کرهٔ خاک دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند.^۲

بنابر آنچه گفته شد، در واقع جهانی شدن پدیده‌ای است که بر اثر وقوع آن، در تصمیم‌گیریها و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسانها، نقش مرزهای جغرافیایی به حداقل کاهش می‌یابد. در این رهگذر منافع تک‌تک مردم و کشورها بیش از پیش در منافع تمام مردم و تمام کشورهای جهان در هم تنیده خواهد شد. در دنیای جهانی شده، واژهٔ ملی، جای خود را به واژهٔ «بین‌المللی» خواهد داد. لذا در عصر حاضر که به قول الوین تافلر (Alvin Toffler)، عصر دانایی است نه تنها کالا، خدمات و سرمایه بین‌المللی مختلف دنیا به آسانی به گردش درمی‌آید بلکه، افکار و دانش بشری نیز آسانتر و بی‌حد و مرزتر از گذشته مبادله می‌شود.^۳ در واقع جهانی شدن، محیط یگانه‌ای را برای کلیهٔ کشورهای جهان به وجود می‌آورد که در آن، پیوندهای بین‌المللی به حد اکثر خواهد رسید. در این محیط یگانه، قوانین جهانشمول است و جامعهٔ جهانی باید از آن تبعیت کند.

قصد اصلی این نوشته بررسی جنبه‌های اقتصادی جهانی شدن است. لذا ضروری است از جهانی شدن اقتصاد نیز بطور خاص تعریفی ارائه کنیم.

جهانی شدن اقتصاد

با تعریفی که از جهانی شدن به مفهوم عام آن ارائه شد، جهانی شدن اقتصاد را می‌توان به سبب تعریف کرد که در آن، حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل و انتقالات مالی کمترین نقش را داراست. به این ترتیب و با جهانی شدن اقتصاد، اقتصاد

جهانی شدن، پدیده‌ای است که بروز آن در عصر حاضر موجب تغییر و تحولات بسیاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عرصهٔ بین‌الملل شده و کشورهای بسیاری را به چالش کشانده است.

بی‌شک «جهانی شدن» مهمترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد «امروز» و «دیروز» جهان می‌باشد. گسترش روزافزون سازمانها و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای نظیر آسه‌آن (ASEAN)، نفتا (NAFTA) و اکو (ECO)، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (یورو)، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) - و قدرت‌نمایی آن در عرصهٔ تجارت بین‌الملل و متعاقب آن آزادی بیش از پیش نقل و انتقال سرمایه بین کشورهای جهان و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ جهان (مانند ادغام دو شرکت اتومبیل‌سازی مرسدس بنز و کرایسلر و شکل‌گیری شرکت جدید دایملر - کرایسلر) همگی از مصادیق بارز و مشخص جهانی شدن اقتصاد است.

در این بازی نوین اقتصاد جهانی، کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، چه بازیگر باشند یا تماشاگر، قطعاً تأثیر خواهند پذیرفت. آنچه در این نوشته قصد داریم بدان پردازیم تبیین بیشتر همین موضوع است. اما پیش از آن تعریفی از جهانی شدن بطور عام و جهانی شدن اقتصاد به همراه تاریخچه‌ای از آن ارائه خواهد شد.

جهانی شدن یعنی چه؟

برخلاف آنچه عموماً تصور می‌شود، جهانی شدن پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست، بلکه تمام جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی بشر امروز را علاوه بر اقتصاد، دربرمی‌گیرد. مارتین آلبرو (Martin Albero)، جهانی شدن را به فرایندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعهٔ واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند.^۱

جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه و ایران

دکتر سید محمد رضا سید نورانی

عضو هیئت علمی دانشگاه
علامه طباطبائی

ویرایش از بخش پژوهش

و ترجمهٔ ماهنامه

کشورهای جهان به شدت به هم وابسته می‌شود، موانع گمرکی و تجاری به حداقل ممکن کاهش می‌یابد و نقل و انتقالات مالی بین کشورها به آسانی میسر می‌گردد.^۴

در تعریفی دیگر، جهانی شدن اقتصاد را به معنای کاهش قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فن آوری دانسته‌اند.^۵ همچنین جهانی شدن به معنای توسعه تجارت و تولید به منظور یکپارچه کردن بازار بین‌المللی گرفته شده است.^۶

جهانی شدن اقتصاد، اقتصادهایی را که تازمانی به دلایل مختلف همچون بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل و فاصله‌های جغرافیایی از هم دور بودند بیش از پیش به هم نزدیک می‌کند و آنچه در این شرایط بسیار خودنمایی می‌کند افزایش رقابت در سطح جهان است.^۷ چرا که در این صورت برای شرکت‌های تولیدی و بازرگانی هر جایی از این کره خاکی می‌تواند یک بازار هدف باشد. در این راستا، پیشرفت خیره‌کننده تکنولوژی اطلاعات (مانند تجارت الکترونیکی) به بهترین نحو به کمک آمده است و اهمیت فاصله‌های جغرافیایی و حدود مرزهای رسمی کشورها را حتی برای شرکت‌های کوچک تولیدی و بازرگانی به حداقل کاهش داده است.

با بروز این پدیده، امروزه دیگر استفاده از پسوند «ملی» برای مواردی نظیر سرمایه، انواع کالاها و محصولات و اوراق بهادار، تا حد زیادی معنی خود را از دست داده است.

در این قسمت و پیش از پرداختن به تأثیر این پدیده بر کشورهای مختلف جهان (توسعه یافته و در حال توسعه)، خالی از فایده نخواهد بود اگر مختصری نیز به تاریخچه جهانی شدن بپردازیم.

تاریخچه جهانی شدن

گرچه استفاده از واژه «جهانی شدن» به تازگی در گفتمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مرسوم شده است ولی پیشینه تاریخی آن را در سطح جهانی و بین‌المللی حداقل می‌توان از اوائل نیمه دوم قرن بیستم سراغ گرفت. اتفاقاتی نظیر

تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار کتاب دهکده جهانی توسط مک‌لوهان (۱۹۶۵)، انتشار کتاب موج سوم توسط الوین تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹) و اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸) همگی از پیش‌زمینه‌های بروز پدیده‌ای است که هر چه می‌گذرد بر شدت و قدرت آن افزوده می‌شود.^۸

گذشته از موارد فوق، می‌توان گفت شرایط و مسیر حرکت اقتصاد جهانی به گونه‌ای است که بروز این پدیده و تقویت آن نتیجه منطقی این حرکت و شرایط می‌باشد. برای مثال در تأسیس گات (GATT) و متعاقب آن سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۵، چیزی که بیش از همه نقش داشت این بود که شرایط تولیدی و رشد اقتصادی کشورها به جایی رسیده بود که آزادسازی تجارت در جهان بصورت امری اجتناب‌ناپذیر در آمده بود. این سازمان امروزه با آزادسازی جریان سرمایه در جهان، بیشترین نقش را در پیشبرد و تقویت پدیده‌ای دارد که ما امروزه از آن به عنوان جهانی شدن یاد می‌کنیم.^۹

شایان توضیح است که در این راستا، رشد شگفت‌انگیز فن آوری در اموری نظیر حمل و نقل و مخابرات و ایفای نقش رایانه پس از انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰، بسیار به کار آمده است.

جهانی شدن اقتصاد و پیامدهای آن

برای بحث پیرامون پیامدهای جهانی شدن اقتصاد، بهتر است این مقوله را در چهار بخش پیگیری کنیم. در این خصوص ابتدا تأثیر عمومی جهانی شدن اقتصاد و شرایطی را که بصورت کلی در اقتصاد جهانی به وجود می‌آورد و سپس تأثیر این پدیده بر کشورهای پیشرفته و متعاقب آن پیامدهای بروز آن برای کشورهای در حال توسعه و در آخر نیز تأثیرپذیری اقتصاد ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تأثیر عمومی جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد با تعریفی که پیشتر ارائه شد، شرایط تازه‌ای را به صورت عمومی و برای کل

جهانی شدن

پدیده‌ای است که بر اثر وقوع آن نقش مرزهای جغرافیایی در تصمیم‌گیریها و فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حداقل کاهش می‌یابد.

در کشوری کوچک، به سرعت دامنگیر سایر کشورهای جهان نیز می‌شود.^{۱۲}

به چالش کشاندن دولت‌ها: جهانی شدن از آنجا که از قدرت کنترل دولت‌ها بر اقتصادهای ملی می‌کاهد، موجب می‌شود دولت‌ها در رابطه با اقتصاد ملی و بازار دچار چالش و ناگزیر از تعریف مجدد این رابطه شوند.^{۱۳} چرا که با بروز این پدیده، قوانین و مقررات ملی رفته‌رفته جای خود را به قوانین و مقررات بین‌المللی می‌دهند و به تبع آن سازمان‌های بین‌المللی عهده‌دار بسیاری از وظایف سازمان‌های ملی در کشورها خواهند شد. در این شرایط دولت‌ها نمی‌توانند فارغ از قوانین بین‌المللی قانون وضع کنند. در حقیقت می‌توان گفت با بروز این پدیده، از قدرت سازمان‌های ملی کاسته و بر توان سازمان‌های بین‌المللی افزوده می‌شود. در این خصوص فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama) در عبارتی کلی‌تر می‌گوید، جهانی شدن اثر گسترده‌ای بر ارتباط مردم هر کشور با دولت خود خواهد داشت.^{۱۴}

همچنین چمپی و نوری می‌گویند: اگر تنها یک سرانجام غیر قابل فرار وجود داشته باشد این است که همه شرکت‌ها و سازمانها (از جمله دولت) ناچارند خود را از نو تعریف کنند.^{۱۵}

گسترش تقسیم کار بین‌المللی: با بروز این پدیده و از میان برداشته شدن بسیاری از موانع تجاری موجود در زمینه نقل و انتقالات سرمایه و منابع مالی، قطعاً تقسیم کار بین‌المللی گسترش خواهد یافت که این خود به افزایش کارایی اقتصاد بین‌المللی کمک شایانی خواهد نمود.

اکنون با توجه به موارد مطرحه فوق، باید دید کشورهای مختلف جهان (اعم از توسعه یافته و در حال توسعه) چگونه از این فرایند نصیب خواهند برد و چرا اغلب کشورهای در حال توسعه از این پدیده بیم دارند؟ چرا این پدیده برای حامیان جهانی‌سازی و صف‌رؤیای فرصت‌ها و سعادت‌هاست و برای مخالفین این پدیده کابوس آزمندیها و نابرابریها؟^{۱۶}

جهانی شدن اقتصاد و کشورهای پیشرفته

جهانی شدن اگر موجب افزایش رقابت می‌شود و اگر تقسیم کار بین‌المللی را گسترش می‌دهد

اقتصاد بین‌الملل پدید می‌آورد. از این رهگذر، هر یک از کشورهای جهان با توجه به قدرت و جایگاه اقتصادی خود در کل این مجموعه سهم (مثبت و منفی) خواهند برد. تأثیر عمومی جهانی شدن اقتصاد را می‌توان بصورت ذیل فهرست کرد:

افزایش رقابت: افزایش رقابت در سطح اقتصاد بین‌الملل یکی از مهمترین دستاوردهای جهانی شدن اقتصاد است. امروزه (و البته در آینده بیش از امروز) با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، رشد حیرت‌انگیز تکنولوژی اطلاعات و گسترش روزافزون تجارت الکترونیکی و در حالت کلی به حداقل رسیدن نقش مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی، بنگاههای اقتصادی کلیه بازارهای جهان را بازار خود می‌دانند و بدان چشم دارند. با افزایش رقابت، آنچه حاصل خواهد شد، افزایش کارایی اقتصاد بین‌الملل خواهد بود؛ چرا که رقابت، مهمترین عامل در افزایش کارایی یک سیستم است.^{۱۰}

وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها: از دیگر دستاوردهای جهانی شدن، وابستگی بیش از پیش اقتصاد کشورهای جهان به هم است؛ بطوری که افزایش رقابت از یک سو و وابستگی بیشتر اقتصاد کشورها به هم از سوی دیگر، صحنه و شرایط دیدنی و جالبی را در دهکده جهانی به وجود آورده است. در این دهکده هر چه بر رقابت بنگاههای اقتصادی افزوده می‌شود (از دیدگاه خرد اقتصادی)، به همان اندازه و شاید بیش از آن بر وابستگی اقتصاد کشورها به هم (از دیدگاه کلان اقتصادی) افزوده می‌شود. در این شرایط، عرصه اقتصاد بین‌الملل صحنه مبارزه کشورهای با هم نیست، بلکه میدان مسابقه‌ای است که هر رقیب می‌خواهد برنده آن باشد. در این میدان، برنده شدن یکی به معنی شکست کامل و به زوال کشیده شدن طرف دیگر نیست. در این میدان، حتی رقیب برای اینکه بتواند بهتر مسابقه دهد، از رقیب (یا رقبای) دیگر می‌خواهد خود را تقویت کند و بهتر مسابقه دهند و حتی به آنها کمک نیز می‌کند؛ چرا که به آنها وابسته است و اصولاً جوهره اصلی جهانی شدن، وابستگی متقابل است.^{۱۱}

با بروز پدیده جهانی شدن، اقتصادهای جهان چنان به هم گره خورده‌اند که بروز یک بحران حتی

○ با بروز پدیده جهانی شدن، امروزه دیگر استفاده از پسوند «ملی» برای چیزهایی نظیر سرمایه، انواع کالاها و محصولات، و اوراق بهادار تا حد زیادی معنی خود را از دست داده است.

و... بی شک منفعت برندگان در جه اول این تغییر و تحولات، کشورهای پیشرفته می‌باشند. در حقیقت این وضعیت خواسته و مطلوب آنهاست چرا که روند رشد و توسعه همین کشورهاست که جهانی شدن را نتیجه داده است.

بروز این پدیده از يك سو موجب گسترش بازارها و در نهایت افزایش فروش بنگاههای اقتصادی این کشورها می‌شود و از سوی دیگر هزینه‌های تولید و فروش این بنگاهها را کاهش می‌دهد؛ در نتیجه سود بیشتری عایدشان خواهد شد.

بنابر این می‌توان گفت در مسابقه‌ای که جهانی شدن بین اقتصاد کشورهای مختلف به راه می‌اندازد، برندگان اصلی کشورهای توسعه یافته‌اند چرا که از قدرت بیشتری برخوردار می‌باشند. بی جهت نیست که جهانی شدن در نظر این کشورها يك کامیابی بزرگ و شیرین و بهترین کشتی برای دریانوردی در اقیانوس اقتصاد است. یکی از محدود موانع و مشکلات این کشورها در این راستا که ناشی از جوهره اصلی این پدیده یعنی وابستگی متقابل کشورها به هم است، تأثیر بحرانها و نابسامانی‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه بر اقتصاد این کشورهاست که از آن به عنوان کوههای یخی فراروی این کشتی تعبیر می‌شود. اما تجربه نشان داده است که این کوههای یخ را یاری مقابله با این کشتی نیست.^{۱۷}

جهانی شدن اقتصاد و کشورهای در حال توسعه: بیم یا امید؟

پرسشی که امروزه بسیار مطرح می‌شود این است که آیا برآستی سهم کشورهای در حال توسعه از فرایند جهانی شدن چیست؟ آیا این کشورها نیز سوار بر این کشتی هستند یا خیر؟ ترس این کشورها از چیست؟

در پاسخ به این پرسشها باید گفت در واقع یأس و نگرانی کشورهای در حال توسعه از این پدیده، ترس از حاشیه‌نشینی، تبعیض، ناامنی اقتصادی، بی‌ثباتی و تشدید نابرابریهاست.^{۱۸} به عبارت دیگر، این گروه از کشورهای جهان در شرایط جدیدی که جهانی شدن اقتصاد پدید می‌آورد یعنی همان افزایش رقابت و گسترش تقسیم کار

بین‌المللی سهمی برای خود نمی‌بیند. چرا که ضعیف هستند و قدرت لازم برای رویارویی با رقیبان قدرتمند را در خود نمی‌بینند. ضمن اینکه کشورهای در حال توسعه (کشورهای جنوب)، کشورهای پیشرفته (کشورهای شمال) را متهم به مذاکرات پشت پرده و تبانی با هم می‌کنند و به آن اعتراض دارند. مصداق بارز این اعتراضات در اجلاس سیاتل سازمان تجارت جهانی مشاهده شد.^{۱۹}

چندی پیش فیدل کاسترو، رهبر کوبا گفت درست است که ماهمگی سوار بر يك کشتی هستیم، اما آنها (کشورهای شمال) در این کشتی در کابین‌های مجهز و شیک با غذاهای مطبوع و لذیذ اسکان دارند و کشورهای در حال توسعه را به این کابین‌ها راهی نیست.^{۲۰}

منیر شفیق صاحب‌نظر عرب نیز در الاوسط می‌نویسد: «در این تحول جدید (جهانی شدن اقتصاد) هیچ چیز جدیدی وجود ندارد و این همان سرمایه‌داری است. البته با سرمایه‌های بیشتر و سلطه و بی‌رحمی افزون‌تر». وی همچنین در جایی دیگر جهانی‌سازی را باعث وابستگی بیشتر کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته، نابودی فرهنگ، ارزش و هویت ملی و از بین رفتن سرمایه و ثروت کشورهای در حال توسعه می‌داند و می‌گوید هیچ کشور و حکومتی حق ندارد خود را همچون مرده‌ای در دست مرده‌شور، در اختیار نظام جهانی‌سازی قرار دهد.^{۲۱}

محمد شعبان دیگر نویسنده عرب نیز، نامگذاری تحولات پرشتاب در عرصه اقتصادی جهان را - که به استیلای اقویا و انقیاد ضعیف‌انجبر می‌شود - به جهانی شدن نامی اشتباه ولی مؤدبانه می‌داند.^{۲۲}

بنابر آنچه گفته شد کشورهای در حال توسعه، تقویت هر چه بیشتر بنیه اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته را در فرایند جهانی به قیمت ضعف و تحلیل قوای هر چه بیشتر خود می‌دانند. در نظر مخالفین فرایند جهانی شدن، این پدیده در دل خود دارای پارادوکس و تضاد است. پرسشی که این گروه مطرح می‌کنند این است که چگونه ممکن است دو جهان، یکی ثروتمند و دیگری فقیر و گرسنه در کنار هم زندگی کنند و هر دو لذت

○ جهانی شدن
اقتصادهای جهان را چنان به هم گره زده است که بروز يك بحران حتی در کشوری کوچک به سرعت دامنگیر سایر کشورهای جهان نیز می‌شود.

ایران و جهانی شدن: چه باید کرد؟

ایران یکی از کشورهای در حال توسعه است، لذا آنچه در خصوص این گروه از کشورها گفتیم در مورد ایران نیز مصداق دارد.

جهانی شدن از يك سو ایران را مواجه با فرصت‌ها و موقعیت‌های جدیدی می‌کند که چنانچه آنها را جدی بگیریم و به عنوان يك واقعیت بپذیریم، می‌توانیم از آنها بهره‌مند شویم. هر چند این پدیده مخاطراتی نیز به دنبال دارد اما باید سعی کنیم با اتخاذ تدابیر درست، اینگونه خطرهارا به حداقل رسانیم و منافع آن را حداکثر کنیم.

چنانچه جهانی شدن را به عنوان يك اصل و واقعیت بپذیریم، در تدوین کلیه استراتژیها و سیاستگذاریهای اقتصادی، برونگرایی مد نظر قرار خواهد گرفت و به عنوان يك عامل مهم وارد مدل‌های تصمیم‌گیری کلان اقتصاد کشور خواهد شد.

جهانی شدن مانند قطاری در حرکت است. باید سوار آن شد. چرا که سوار نشدن به معنی عقب ماندگی بیشتر خواهد بود. اتخاذ سیاست با دست‌پیش کشیدن (به دلیل مزایا) و باپس‌زدن (بانظر به معایب) در این خصوص اصلاً راهگشا نیست. چنانچه به این باور برسیم، برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹) فرصت بسیار خوبی برای زمینه‌سازی‌های لازم خواهد بود. این فرصت را از دست ندهیم. در این خصوص توجه به موارد ذیل توصیه می‌شود:

- احتراز از تناقض در سیاستگذاری و شفاف کردن سیاست‌های اقتصادی؛
- ایجاد فضای مناسب اقتصادی و ایجاد سازگاری بین سیاست‌های کلان اقتصادی-بنگاهی و هماهنگی این سیاست‌ها با سیاست‌های بین‌المللی؛
- فراهم کردن زمینه رقابت در تمامی عرصه‌های اقتصاد؛
- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه تکنولوژی و دستیابی به تکنولوژی نوین؛
- توجه کافی به بومی کردن تکنولوژی وارداتی؛
- اتخاذ يك استراتژی بلندمدت برای توسعه

واقعیت چیست؟ آیا جهانی شدن برای کشورهای در حال توسعه شرّ مطلق است یا محاسنی نیز در بر دارد؟ قبلاً گفته شد که جوهره اصلی پدیده جهانی شدن، وابستگی متقابل اقتصادها به هم است و در این وابستگی متقابل، کشورهای ثروتمند و پیشرفته، حداقل برای اینکه خود، پیشرفت بهتری داشته باشند، تمایلی به عقب‌نگهداشتن کامل کشورهای فقیر و در حال توسعه ندارند. ضمناً چنین نیست که این کشورها تا به حال نیز امتیازی به کشورهای در حال توسعه نداده باشند. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به ترتیبات Goog Service Pension (GSP) در سازمان تجارت جهانی اشاره کرد که مطابق آن کشورهای توسعه‌یافته برای بعضی از کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه تخفیفات تعرفه‌ای در نظر می‌گیرند. بر همین اساس می‌توان این نظریه جیمز گراف (James Graff) را پذیرفت که می‌گوید جهانی‌سازی چهره‌ای انسانی نیز دارد.^{۲۴} بنابراین به نظر می‌رسد، نبایست جهانی شدن را برای کشورهای در حال توسعه بد مطلق دانست. بلکه آنچه برای این دسته از کشورها می‌تواند خطرناک‌تر از خود پدیده جهانی شدن باشد، نحوه برخورد آنها با این موضوع و چگونگی عکس‌العمل آنهاست. بیمال گوش (Bimal Ghosh) می‌گوید: «مشکلات کنونی ما به جهانی شدن مربوط نیست بلکه به چگونگی کنترل آن ارتباط دارد»^{۲۵}

«جهانی شدن» پدیده‌ای است که بروز کرده است و هر روز بر قدرت آن افزوده می‌شود و به قولی تقدیری است که خواه ناخواه بر سراسر جهان سایه افکنده است.^{۲۶} به تعبیر دیگر می‌توان گفت، جهان محکوم به جهانی شدن است. جالب اینکه فوکویاما گرایش به این پدیده و بازار را جزو فطرت انسان می‌داند.^{۲۷}

در پایان این بخش یادآور می‌شویم که موضع کشورهای در حال توسعه را در برابر جهانی شدن، باید موضع بیم و امید، نامید. چرا که از يك سو بیم از حاشیه‌نشینی و عواقب سوء این پدیده دارند و از سوی دیگر امیدوار به بهره‌گیری از فرصت‌های تازه‌ای هستند که برایشان به وجود می‌آید. آنها

○ فیدل کاسترو:
درست است که ماهمگی
سوار بر کشتی واحدی
هستیم ولی کشورهای
شمال در این کشتی در
کابین‌های مجهز و شیک با
غذاهای مطبوع و لذیذ
اسکان دارند و کشورهای
در حال توسعه را به این
کابین‌ها راهی نیست.

○ موضع کشورهای
در حال توسعه در برابر
جهانی شدن آمیخته به بیم و
امید است چرا که از يك سو
بیم از حاشیه نشینی و
عواقب سوء این پدیده
دارند و از سوی دیگر
امیدوار به بهره گیری از
فرصت های تازه ای هستند
که برایشان به وجود
می آید.

Edward Chraham, "The role of competition Policy and corporate governance", **Managing Asia financial sector recove** - 1998.

John Vickers and George Yarrow, "Economic Perspective on privatization", **Journal of Economic Perspective**, spring 1991.

۱۱. چندی پیش لاری سامرز وزیر خزانه داری آمریکا با انتقاد شدید از رشد کم کشورهای اروپایی و ژاپن، خواستار کوشش و عملکرد بهتر این کشورها شده بود. وی گفته بود: «آمریکا از اینکه به تنهایی لکوموتور رشد جهانی را به حرکت در آورد خسته شده است!»

۱۲. برای نمونه می توان به بحران مالی آسیای جنوب شرقی اشاره کرد که از تابند آغاز و سپس کشورهای آسیای جنوب شرقی را دربر گرفت و بر اقتصاد دیگر کشورهای جهان نیز تأثیر گذاشت.

۱۳. برای مطالعه بیشتر ر.ك. عباس آخوندی بولتن نقد دیدگاه، مؤسسه بین المللی انرژی، شماره ۲۶، صص ۱۶-۱۴.

۱۴. ماهنامه بورس، شماره ۲۰، ص ۱۷.
15. Shaban, **op.cit.**, p.7.

16. "Challenge of globalization", **Financial Times**, - Dec 1999.

۱۷. دنیس دابریه، نویسنده فرانسوی ضمن ارائه تعبیر فوق از جهانی سازی اضافه می کند... هنگامی که ناخدا (سازمانهای پولی) پیش از وقت تعیین شده فرمان حرکت شتابان به سوی نیویورک (رفاه و آسایش) را صادر می کند، به کوههای یخی (بحرانهای اقتصادی آسیا و روسیه) برخورد می کند که تنها يك دهم حجم واقعی آنها روی آب است.

ر.ك. ترجمان اقتصادی، سال اول، شماره ۳۱، ص ۱۸.
۱۸. جیمز گوستاواسیس و رابنس ریکاپرو، «مشارکت در جهانی شدن، آزادسازی و توسعه انسانی پایدار»، ترجمه امیر فیروز- گمرک جمهوری اسلامی ایران- دفتر برنامه ریزی و بهبود سیستم های گمرکی.

۱۹. برای مطالعه بیشتر ر.ك. سید محمدرضا سید نورانی و مهدی خطیبی، «در سیاتل دعوا بر سر چه بود»، پیام ایران خودرو، شماره ۴۵.

۲۰. برگرفته از روزنامه اطلاعات.
۲۱. ترجمان اقتصادی، سال اول، شماره ۳۵، ص ۴۷.
22. Shaban, **op. cit.**

23. James Graff "Giving Some of Back", **Time**, Feb. 1999.

24. **Ibid.**

25. Bimal Ghosh, "Stop Demonizing Globalization and Learn to Manage It" - **Herald Terribon**, No. 35990, Nov. 1998.

۲۶. منبع شماره ۲۰-ص ۴۷.

۲۷. آخوندی، پیشین، ص ۱۷.

تکنولوژی؛

- عضویت در سازمان تجارت جهانی و حضور فعال در مجامع تصمیم گیر اقتصادی جهان و ایفای نقش پررنگ در سازمانهای منطقه ای و اقتصادی و از همه مهمتر، باور جهانی شدن و پذیرش آن به عنوان يك واقعیت.

در يك کلمه، باید خود را با جهانی شدن سازگار کنیم.

یادداشت ها:

۱. پرویز صداقت، «سرشت جهانی شدن و زمینه های آن»، ماهنامه بورس، اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۱۱.

۲. همان.

۳. بالانچارد و واگورن، جهانی شدن را به شرایطی تعریف می کنند که در آن سرمایه، نیروی انسانی و اندیشه به آسانی و بدون زحمت قادر به عبور از مرزها هستند. برای مطالعه بیشتر ر.ك. كنت بالانچارد و تری واگورن، نزدیک به خطر- ترجمه منوچهر سلطانی- شرکت چاپ و نشر بازگانی، سال ۱۳۷۷.

۴. مجید روشنفکر، «نقش تجارت در اقتصاد جهانی- ماهنامه بورس، اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۱۸.

۵. ماهنامه بورس، اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۸.

6. Mohammed Shaban, "The positive effects of globalization on the countries of the Gulf council" **Gulf Report** - Dec. 1998.

۷. برای مطالعه بیشتر ر.ك. جیمز چمپنی، و نیتین نوری، «با شتاب به پیش»- ترجمه محمود طلوع مکانیک، انتشارات رسا، سال ۱۳۷۶.

۸. برای مطالعه بیشتر ر.ك. صداقت، پیشین، ص ۱۲.

۹. در این خصوص گفتنی است که یکی از دلایل اصلی ناآرامیها و تظاهرات سیاتل که محل برگزاری اجلاس این سازمان در آذرماه سال گذشته بود، اعتراض کارگران و اتحادیه های کارگری به مسئله جهانی شدن سرمایه توسط این سازمان بود. چرا که این موضوع از قدرت چانه زنی این اتحادیه ها در کشورهای پیشرفته کاسته است. با جهانی شدن سرمایه (ورود و خروج آزاد سرمایه در کشورهای جهان) دیگر کارفرما و سرمایه گذار خود را ملزم به پذیرش خواسته های کارگران و اتحادیه های کارگری در کشورهای پیشرفته نخواهند دید و هر جا نیروی کار ارزان تری وجود داشته باشد، همانجا سرمایه گذاری خواهد کرد.

۱۰. ادوارد گراهام هدف سیاست های رقابتی را در کارایی بیشتر می داند. ویکرز و یارو پس از انجام تحقیقات گسترده وجود رابطه مثبت بین افزایش رقابت و افزایش کارایی را مورد تأیید قرار می دهند. برای مطالعه بیشتر ر.ك. به: